

بررسی اندیشه اصلاحی حاجی آقا مجتهد شیرازی

نماینده دوره دوم تا چهارم مجلس شورای ملی (۱۳۰۰ - ۱۲۸۸ ش)

* شکرالله خاکرند

** حمید حاجیانپور

*** رضا زارع

چکیده

مقاله حاضر به اندیشه اصلاحی حاجی آقا مجتهد شیرازی نماینده برجسته دوره‌های دوم تا چهارم مجلس شورای ملی می‌پردازد. پرسش اصلی این تحقیق آن است که در اندیشه حاجی آقا شیرازی، جامعه آن عصر دچار انحراف از چه مبانی و اصولی شده که نیاز به اصلاحات پیدا کرده و راهبرد ایشان برای برون‌رفت از وضع موجود جامعه و رسیدن به وضع مطلوب چیست؟ اندیشه اصلاحی حاجی آقا شیرازی به لحاظ شکلی در چارچوب مشروطیت و قانون اساسی و به لحاظ محتوایی با طرح مفاهیمی همچون مبارزه با تبعیض، فساد، ناامنی، فقر و احیای حقوق ملت برگرفته از مفاهیم و متون اسلامی قرار دارد. وی اصلاحات را تنها وسیله نجات جامعه آن روز می‌داند که فقط از طریق مجلس به‌عنوان مرکز ثقل کشور با استفاده از تصویب قوانین و نظارت بر اجرا قابل تحقق می‌باشد. روش تحقیق در این مقاله، توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

واژگان کلیدی

اصلاحات، حاجی آقا شیرازی، مجلس شورای ملی، مشروطه دوم.

khakarand66@yahoo.com

hhajianpour@yahoo.com

reza.zare41@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۷

** عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز.

** عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز.

*** عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین علیه السلام.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۱۹

طرح مسئله

یکی از شخصیت‌های دینی فعال، اما ناشناخته در دوران مشروطه دوم، «علی شیرازی» معروف به «حاجی آقا مجتهد شیرازی» نماینده مجلس شورای ملی در دوره‌های دوم، سوم و چهارم می‌باشد. حاجی آقا شیرازی با برخورداری از ویژگی‌هایی همچون هوش و استعداد خدادادی، قدرت بیان و قلم و صراحت لهجه و تمکن مالی، در یک خانواده اصیل شیرازی در سال ۱۳۶۱ متولد شده است. (بامداد، ۱۳۷۱: ۱۶) وی مجتهدی سیاستمدار می‌باشد که فرایند شخصیت سیاسی و اجتماعی او در نجف تکامل یافته است. (همان) به لحاظ معرفتی در مکتب اصولی قرار گرفته و به جهت بینش فکری، علمی، سیاسی و اجتماعی در جریان‌شناسی اصلی روحانیت در دوران مشروطه، تحت تأثیر مکتب نجف بوده و در فضای مشروطه دوم موفق شد در جایگاه نمایندگی مجلس شورای ملی با ویژگی‌ها و شیوه‌های خاص خود، حضوری فعال داشته باشد.

ایشان قصد داشت با مبانی اعتقادی و جهان‌بینی اسلامی و نگاه واقع‌بینانه به جامعه آن روز ایران با اندیشه اصلاحی از طریق مجلس، جایگاه نظام مشروطه را تقویت نماید تا مشروطه اسلامی تحقق یابد. وی با نگاه آرمانی در مبارزه با تمدن غرب از طریق جنبش اسلامی به احیای تمدن اسلامی می‌اندیشید. حاجی آقا در برابر تمدن غرب نسبت به وجهه استعمارگری^۱ آن موضعی سرسختانه اتخاذ می‌کند و با رد تقلید کورکورانه از تمدن غرب، با تجددگرایان به شدت مبارزه می‌نماید.

قبل از ورود به مباحث اصلی مناسب است اشاره‌ای گذرا به مفهوم اصلاح گردد. اصلاح، از نظر لغوی به معنی سر و سامان دادن، آراستن، سازش دادن، نیکو کردن (عمید، ۱۳۶۲: ۱۵۸) آمده است و در اصطلاح، مفهوم اصلاحات^۲ به دلیل بار هنجاری و ارزش آشکار کردن، مثل سایر مفاهیم اساسی، اما با شدتی بیشتر، متناقض‌نما بوده و متکی به نظام فکری استفاده‌کننده آن است و مسلماً فهم تعابیر مختلف از این مفهوم، نیازمند درک عمیقی میان استفاده‌کننده آن است. (افروغ، ۱۳۸۰: ۲۴۷)

اصلاحات از جمله مفاهیمی است که با برخی دیگر از مفاهیم مانند انقلاب، در بستر تحولات سیاسی و اجتماعی یک جامعه تحقق می‌پذیرد. اگر انقلاب را به معنای تغییر بنیادین در یک جامعه بدانیم، اصلاح به معنای پذیرش بنیادها و اصول نظام موجود است که خواهان تغییر و تحولاتی در برخی از ساختارهای جامعه در چارچوب حفظ آن اصول می‌باشد. به عبارت دیگر، اصلاحات در مقیاس سطح اجتماعی و یک نظام حکومتی به معنای تغییر وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب در چارچوب مبانی و اصول نظام پذیرفته

۱. نخستین فردی بود که با نوشتن مقاله «فشار عالم اسلام یا تجدید جنگ صلیب» در روزنامه مجلس (شماره ۵۰، سال ۱۳۲۹ قمری) در اوایل قرن بیستم حمله شدیدالحنی را علیه رفتار استعماری غرب انجام داد.

۲. با وقوع جنبش مشروطیت، اصلاحات به صورت برجسته مطرح شد و اهمیت آن در مشروطیت دوم به ویژه در اواخر دوران حکومت قاجار به علت طرح موضوعاتی همچون انحراف از اصول مشروطیت و قانون اساسی، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت.

شده، صورت می‌گیرد. بدین معنا که ممکن است نسبت به آن بنیادها و اصول جامعه، انحراف صورت گرفته باشد و قصد بر آن است که با انجام اصلاحات، جامعه را به منظور بازگشت به آن اصول و بنیادها ترغیب و یا با موانع اصلاحات مبارزه نمود.

با توجه به مقدمه، پرسش مقاله این است که: در اندیشه حاجی آقا شیرازی انحراف از چه مبانی و اصولی صورت پذیرفته که جامعه نیاز به اصلاحات پیدا نموده و راهبرد ایشان به منظور برون‌رفت از وضع جامعه موجود برای رسیدن به وضع جامعه مطلوب چیست؟
این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی با بهره‌گیری از منابع دست اول شامل اسناد، گفتارها و مکتوبات حاجی آقا شیرازی به منظور دستیابی به پرسش مذکور انجام گرفته است.

مبانی اندیشه اصلاحی حاجی آقا شیرازی

جامعه سیاسی ایران پس از مشروطیت و رهایی از استبداد محمدعلی شاه، شاهد حوادث پی در پی مهمی از جمله: فتح تهران، تشکیل هیئت مدیره، افتتاح مجلس دوم قانون‌گذاری، اولتیماتوم روسیه، افتتاح مجلس سوم و تعطیل شدن آن، جنگ جهانی اول و ورود قدرت‌های بیگانه روس و انگلیس به ایران و پیامدهای گسترده ناشی از آن به خصوص قحطی مرگ‌بار، کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ شمسی و افتتاح مجلس چهارم بعد از یک دوره طولانی چندین ساله فترت بوده است.

حاجی آقا شیرازی با توجه به رخدادهای ذکر شده که هر کدام جامعه سیاسی ایران را با فراز و نشیب‌ها و پیامدهای تأثیرگذاری همراه ساخت، با قرار دادن «اصول مشروطیت» به عنوان مبانی نظری و اصول ثابت خود، معتقد است که جامعه پس از گذشت ۱۶ سال از پیروزی نهضت مشروطیت از اصول مشروطیت منحرف شده، که با جهاد (تلاش) می‌توان به مشروطه بازگشت نمود:

ما باید جهاد کنیم و بکوشیم که امروزه مملکت را مشروطه نماییم و اصول مشروطه را ایجاد کنیم... و بفهمانیم که اصول مشروطیت تعطیل‌پذیر نیست. (صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۴، جلسه ۲۰)

وی عامل اصلی بدبختی‌های مملکت ایران را از دوره تجدد تاکنون توسط دسته‌ای از عناصر غیر مسئول می‌داند که از سیاست ارتزاق کرده و به قانون مشروطیت عمل نکردند:

تمام بدبختی این مملکت از دوره تجدد تاکنون از این بوده است که به قانون مشروطیت عمل نشده است. (صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲، جلسه ۲۱۲)

وی به یکی از مفاهیم قابل توجه در مشروطیت یعنی «آزادی عقیده» می‌پردازد و دشمنان مملکت را دشمنان آزادی عقیده می‌داند و بر این باور است که گروه اقلیت با غوغاسالاری و تحت پوشش مفاهیمی

جذاب همچون آزادی، ضد آزادی عمل کرده و با «ترور عقیده»، آزادی خواهان واقعی را از صحنه خارج نموده تا خود حکم فرمایی نمایند:

ما باید دشمنان آزادی عقیده را بزرگ‌ترین دشمنان مملکت بدانیم. عقاید سیاسی آزاد است و همه کس باید از این آزادی استفاده نماید، نه آنکه هر کس اظهار عقیده کند، فوری عقیده او را به افترا و اتهامات ترور کند. عقیده است که مملکت را رو بسعادتمی‌برد. اگر بنا شود آزادی عقیده سلب گردد، آن وقت عقاید یک عده خیلی محدود حکم فرما شده و مملکت در تحت حکومت (الیگارش) اداره می‌شود. (همان)

با توجه به موارد ذکر شده، مشخص شد که حاجی آقا شیرازی وضع موجود جامعه آن روز را انحراف از اصول مشروطیت می‌داند و قصد دارد جامعه را با اصلاحات به آن اصول بازگشت دهد. در واقع، تأکید حاجی آقا بر اجرای مشروطیت بمنزله تأکید بر اجرای «قانون اساسی» به عنوان مهم‌ترین و بالاترین شاخصه مبانی نظری و تحقق عینی اصول مشروطیت است. ایشان در طول دوره نمایندگی خود دائماً در مذاکرات مجلس به خصوص در زمان‌هایی که نیاز به دلایل محکم دارد، به قانون اساسی استناد می‌نماید. از سوی دیگر، به لحاظ محتوایی در چارچوب اندیشه اصلاحی حاجی آقا می‌توان به اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطیت مبنی بر «تطبيق قوانین موضوعه با قواعد اسلامی» توسط پنج نفر از علمای طراز اول اشاره نمود. حاجی آقا در مجلس دوره دوم در جلسات مختلف بر اجرای تحقیق عینی این اصل پافشاری و اصرار می‌ورزد، بگونه‌ای که معتقد است تصویب قوانین بدون حضور علمای طراز اول (هیئت نظار) قانونیت پیدا نخواهد کرد:

به موجب اصل دوم قانون اساسی، هر ماده قانونی که بدون حضور هیئت نظار از مجلس بگذرد، عنوان قانونیت پیدا نخواهد کرد. (صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲، جلسه ۱۲۲)

افزون بر این، بنابر نظر شهید مطهری در اصطلاح اسلامی، اصلاح، نقطه مقابل افساد است. (مطهری، ۱۳۸۹: ۲۹) بنابراین با توجه به این معنای اصلاح، می‌توانیم بگوییم در اندیشه اصلاحی حاجی آقا، شاخص‌های متعددی از مبارزه با افساد همچون: تبعیض، رشوه و ارتشاء، فقر و فساد، بی‌عدالتی و اجرای قانون مجازات و تلاش برای احیای حقوق ملت و اهتمام بر بهبود معیشت مردم مطرح است که بیانگر برگرفتن این مفاهیم از متون اسلامی است. حاجی آقا تنها راه برون‌رفت از تمام گرفتاری‌ها و وضع جامعه آن روز را تعالیم اسلام می‌داند و در مقام یک مجتهد اعلام می‌دارد:

یگانه تکلیف واجب و اولین فریضه لازم بر ما اطاعت و انقیاد تام از تعالیم مقدسه اسلام است. (شیرازی، ۱۳۲۹ ق: ۳)

اصلاحات در بعد سیاست داخلی

الف) اصلاحات اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی

حاجی آقا شیرازی معتقد است که برای انجام اصلاحات اجتماعی و اخلاقی قبل از هرچیز باید درک درستی از «مفاسد اجتماعی» داشت. ایشان یکی از بزرگترین مفاسد اجتماعی را وجود طفیلی‌های جامعه می‌داند که به منزله میکروب‌های مسری هستند که از تهران به دیگر ولایات ایران سرایت می‌کنند که گویا در حوزه‌های اجتماعی تنها وظیفه‌شان ارتزاق از سیاست، پشت میزنشینی و پارتی‌بازی است که در نتیجه، بدبختی ایران را در پی دارد. وی در این باره می‌نویسد:

یکی از بزرگترین مفاسد اجتماعی، وجود همین طفیلی‌های جامعه و پارازیک‌هایی است که به بدن جامعه افتاده و متصل خون آنرا مکیده و به اعضای جامعه منتشر می‌شود. ابتدا از فضای طهران شروع شده و تدریجاً بتمام اعضای مملکت ایران سرایت می‌کند... (شیرازی، ۱۳۳۹ ق: ۱۲ - ۱۱)

۱. امنیت

از نظر حاجی آقا شیرازی یکی از عناصر مهم اصلاحات اجتماعی که ضرورت آن برتر از دیگر مسائل است، «امنیت» می‌باشد. وی در این باره می‌نویسد:

جامعه در تحت لوای امنیت می‌تواند زندگانی کند. زراعت، تجارت، سعادت جامعه و هرچه را که راجع به جامعه است ملاحظه کنید، در تحت عنوان امنیت می‌تواند اداره شود... باید تمام اهتمام را بر این قرار داد که اگر در اقصی بلاد ایران یک رعیت ضعیف در گوشه بیابان‌ها گرفتار غارتگری بشود (چه غارتگرهای اداری و چه مسلح و صحرانشین) باید گوش‌ها را برای شنیدن صدای او شنوا کرده، خواب را بر خود حرام نمود و او را از بدبختی و شقاوت نجات داد. (همان: ۱۲)

ایشان برای ایجاد امنیت در سرتاسر مملکت وجود، یک نیروی مادی برخوردار از اقتدار و قدرت را بسیار ضروری می‌دانند. وی بر این باور است که باید با قدرت و با مشت آهنین به سرکوب یاغیان پرداخت:

کسانی که از شرع سیاست باخبر و بعرف مملکت‌داری بصیرند، می‌دانند که اداره کردن یک هیئت اجتماعی بطوری که امنیت در مملکت کارفرما شده و احدی نتواند علناً تخطی بحقوق دیگری نماید و همه کس در کمال اطمینان بتواند در اصقاع مملکت مسافرت نموده یا مال‌التجاره بفرستد و از حمله دزد و غارت‌گر و سایر اشرار محفوظ ماند، اساساً ممکن نیست مگر با یک قوه مادی که در کمال قدرت با یک مشت آهنی بتواند یاغیان مملکت را سرکوب کرده و طرق و شوارع و بلاد و قصبات را از شر طبایع وحشیانه آنها محفوظ دارد. (شیرازی، ۱۳۳۰ ق: ۱۷ - ۱۶)

۲. عدالت

حاجی آقا شیرازی برای دو اصل مهم جامعه یعنی امنیت و عدالت پیوند بسیار نزدیک و تنگاتنگی قائل است و بر ایجاد امنیت حقیقی که در سایه عدالت ایجاد می‌گردد، تأکید می‌ورزد:

عدالت در حقیقت می‌تواند در ضمن امنیت گنجانده شود. امنیت برای حفظ جامعه است، اگر عدل نباشد انسان بر حفظ حقوق خود مأمون نیست. امنیت حقیقی این نیست که هر ضعیفی، مقهور قوی‌تر باشد. امنیت حقیقی آن است که هر کس از دیگری مأمون باشد... باید این دو اصل حقیقی (امنیت و عدالت) را در مملکت ایجاد کرد. (صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۴، جلسه ۲۰).

۳. مساوات

ایشان با توجه به برداشت‌های مختلف از مساوات، منظور خود از مساوات را با تأکید بر مساوی بودن همه در برابر قانون معین می‌کند. ایشان نگرانی خود را از وضع موجود مبنی بر فقدان مساوات در حقوق این‌چنین اعلام می‌دارد:

مساوات در حقوق، در این مملکت نیست و ما از خودمان پنهان می‌کنیم و خیال می‌کنیم که همه در مقابل قانون مساوی هستیم. (همان)

وی، دلیل تبعیض و تفاوت بین افراد صاحب عنوان و طبقه ضعیف در سطح جامعه را برخوردار نبودن همه افراد جامعه از مساوات در قانون می‌داند و معتقد است که افراد بانفوذ با جرم‌های سنگین از مصونیت برخوردارند، در حالی که افراد فقیر و ضعیف با کوچک‌ترین تخلف گرفتار می‌گردند:

اگر یک نفر صاحب القاب و حیثیت و طنطنه، دارای هزاران جرم حقوقی و اختلافی و جنائی باشد، چون در طبقه عالی و دارای لقب و طنطنه است، از این جهت مصون است. دولت ماست‌مالی می‌کند. وزیر ماست‌مالی می‌کند. اداره ماست‌مالی می‌کند. و بالاخره اداره نظمییه حتی پلیس هم ماست‌مالی می‌کند. ... ما باید حقیقت مساوات در حقوق را در مملکت ظاهر نمائیم. (همان)

۴. جلوگیری از رشوه و ارتشاء

رشوه و ارتشاء در جوامع مختلف و اعصار متفاوت به عنوان یکی از معضلات اجتماعی محسوب می‌شود که آثار و پیامدهای ناگواری را بر اداره جامعه وارد می‌سازد. حاجی آقا شیرازی بر این باور است که اصول اخلاقی و اداری در مقابل رشوه و ارتشاء متزلزل می‌شود و تمام مفاسد اخلاقی و اجتماعی، ناشی از رشوه دادن و رشوه‌گیری است که دامن‌گیر دوایر دولتی دوران مشروطیت شده و به صورت آشکار از سطوح طبقات عالی‌ه

تا کوچکترین افراد را دربرگرفته است:

رشوه و ارشاء به اندازه (ای) در مملکت ما منتشر و بی‌پرده شده که از بزرگترین زمامداران طبقات عالی تا کوچکترین افرادی که در دوایر دولتی مستخدم هستند، بدون هیچ قبح خجالت قبل از همه چیز فوری حق اجرت خودش را می‌خواهد؛ بدون اینکه حس بکنند چه وظیفه‌ای را باید انجام بدهد. (شیرازی، ۱۳۳۹ق، ۱۴)

۵. رفع تحمیلات طاقت‌فرسای مالیات

یکی از زمینه‌های مؤثر اقتصادی در شکل‌گیری نهضت مشروطه، گرفتن «مالیات» بود. این مسئله زمانی به یک معضل اجتماعی تبدیل می‌گردد که جامعه در ازای پرداخت مالیات، خدمات قابل قبول دریافت ننماید. ضمن اینکه مالیات‌ها بسیار سنگین و غیرقابل تحمل بود. حاجی آقا شیرازی با توجه به این موضوع می‌نویسد:

یکی از اصلاحاتی که جزء اصلاحات فوری باید شمرده شود، رفع تحمیلات طاقت‌فرسای است که به اهالی مملکت شده. جمعیت مالیات‌بده مملکت ایران طاقت و تحمل این مالیات را ندارد. همه وقت می‌گویند: مالیات بده، کسر مخارج داریم و اگر مالیات وضع نکنیم و محل نتراشیم، از خارجه باید قرض کنیم. فوری عنوان قرض را جلو می‌کشند، در حالی که دروغ می‌گویند. (همان)

وی، راه برون‌رفت از چنین وضعیتی را «بودجه‌بندی» دولت می‌داند که باید برنامه بودجه را تقدیم نماید. ایشان از مجلس دوم تا چهارم در هر فرصتی که پیدا شده، بحث بودجه را مطرح می‌نمایند و دائماً به بی‌توجهی دولت‌ها نسبت به ندادن پیشنهاد لایحه بودجه معترض بود:

بودجه مملکت در تمام مدت مشروطه ایران، در تمام عمر مجلس شورای ملی که چهار دوره است، به مجلس نیامده (است)... ملت ایران زیر بار یک دینار مالیات نرود، مگر اینکه بودجه مرتب شود. (صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی دوره ۴، جلسه ۲۰).

نکته قابل توجه این است که دولت‌های ایران در دوران مشروطه برای بدست آوردن عایداتی هرچند ناچیز از بودجه اقتصاد ورشکسته کشور، بر زغال و روده حیوانات و نمک مالیات می‌بستند، اما به نفت کشور در خوزستان که انگلستان به یغما می‌برد، توجه نداشتند. (آبادیان، ۱۳۹۰: ۲۳)

۶. قانون مجازات

اصلاح قانون مجازات از منظر حاجی آقا شیرازی جایگاه قابل توجهی داشت، به گونه‌ای که آن را فوری‌تر از دیگر موارد اصلاحات می‌دانست. وی با طرح سؤالاتی تلاش می‌کرد جایگاه و اهمیت قانون مجازات را تبیین نماید:

آیا هیچ‌کس می‌تواند تصور کند که جلو منهیات نوع بشر را بتوان بدون مجازات گرفت؟ آیا هیچ‌کس می‌تواند بدون اجرای مجازات جلو دزدی، غارت‌گری، حمله بر ناموس، بر عرض و مال و جان دیگری را بگیرد؟ آیا جلوگیری از منهیات قوی و حفظ حقوق ضعیف بدون مجازات ممکن است؟ (شیرازی، ۱۳۳۹ ق: ۱۵)

حاجی آقا شیرازی در ذیل قانون مجازات، از مجلس شورای ملی می‌خواهد که به یک مسئله مهم بسیار توجه کند و آن، رسیدگی به اعمال زمامداران و مسئولین تشکیل دهنده کابینه در دوره فترت مجلس است:

در این مملکت تحسین‌ها به هرکسی گفته می‌شود و تقبیح‌ها از هرکسی کرده می‌شود، گاهی نسبت خیانت و گاهی نسبت خدمت می‌دهیم، بعضی را مقدس و بعضی را ملوث می‌شماریم. درعین حال همان شخصی که مقدس است وقتی که مطابق میل ما رفتار نکرد، ملوث می‌شود و همان شخصی که ملوث است، اگر موافق میل ما رفتار کرد، مقدس می‌شود. مادامی که زمامداران دوره فترت را محاکمه نکرده‌اید، نمی‌توانید از روی منطق کسی را تقبیح یا تحسین کنید و اگر هم همین‌طور بگذارید و بخواهید اعمال زمامداران و دوره فترت را در تحت محاکمه نیاورید، بعد از این هم همین‌طور خواهد بود. برای اینکه مسئولیت بتمام معنی عرض اندام کند، باید محاکمه در کار باشد. (همان: ۱۸)

۷. مطبوعات

هرچند از نظر حاجی آقا شیرازی جایگاه مطبوعات به‌عنوان بزرگترین پرورش دهنده اخلاق و بهترین وسیله انتشار علوم و معارف، اساس آزادی و بزرگترین اساس مشروطیت می‌باشد، اما ایشان از وضع موجود مطبوعات به‌خصوص در امتیاز گرفتن روزنامه‌ها توسط افراد فاقد تخصص و تعهد و نالایق، با نارضایتی عمیق یاد می‌کند و اعلام می‌دارد:

روزنامه‌نگاری در مملکت ما از آن کارهایی شده که وقتی دست شخصی از همه کارها در مملکت کوتاه می‌شود، فکر می‌کند که برود یک روزنامه تأسیس کند و آن را وسیله ارتزاق خود قرار دهد... به مجرد اینکه یک نفر بی‌سواد فاسدالاخلاق توانست یک مقدار کاغذ و خرج طبع یک نمره روزنامه را تهیه نماید، به هر وسیله که هست یک امتیاز گرفته و روزنامه چاپ می‌کند و یک چیزهایی می‌نویسد که اسباب تنفر جامعه می‌شود. این یکی از مفاصدی است که باید جلوگیری کنیم. ما می‌دانیم مطبوعات دارای مقام بلندی هستند. ما باید حافظ این مقام باشیم و نگذاریم که یک عده اشخاص نالایق داخل در این دایره بشوند؛ زیرا که آنوقت استفاده از لایق هم نمی‌شود کرد... باید قانونی وضع کرد که شرافت و حیثیات مطبوعات را حفظ کند. (صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۴، جلسه ۲۰)

۸. اصلاحات اخلاقی

حاجی آقا شیرازی معضلات اجتماعی همچون تنزل نسل، وجود امراض، بدبختی‌های فوق‌العاده، فلاکت، رفتن سرمایه، فقیر شدن افراد، افزایش بلاها در جامعه ایران به‌خصوص در شهر تهران را در نتیجه افزایش مفاسد اخلاقی و اشاعه منکرات و مناهی می‌داند که دولت باید از مفاسدی که روح ایران را فاسد کرده، جلوگیری نماید. (همان)

۹. اصلاحات اقتصادی

از دیگر اصلاحات مورد نظر حاجی آقا شیرازی، اصلاحات «اقتصادی» است و نکته محوری اصلاحات در این حوزه بر «زواید زندگانی» متمرکز می‌نماید. از دیدگاه وی، زواید زندگی آثار و پیامدهای نامطلوبی از جمله نابود کردن مملکت، خرابی مملکت، دزدی کارمندان در ادارات، مسدود کردن باب معاملات و ورود بی‌رویه کالاهای لوکس به سمت ایران را در پی داشته است. خلاصه دیدگاه ایشان در این باره عبارت است از:

- باید فداکاری کنیم و با زواید زندگانی مخالفت نماییم؛

- زواید زندگانی کمرها را خم کرده و بکلی ملت را نیست نموده است؛

- زواید زندگانی است که اهالی را به فقر و فاقه کشانده است و الان می‌بینیم روزبه‌روز رو به ازدیاد است؛

- زواید زندگانی این مملکت را خراب کرده و اعضای ادارات را به دزدی وادار کرده است؛

- برای اینکه محتاج زندگانی هستند، این زواید تاجر و کاسب را از اعتبار انداخته است، باب معاملات را مسدود کرده است؛

- این زواید روزافزون همان زوایدی است که ملل متمدنه دنیا از ورود به مملکت خودشان جلوگیری کرده و بار می‌کنند به طرف دول مشرق و مخصوصاً به ایران؛ پس باید مردم را از (کالای) لوکس و زواید کمرشکن حفظ کرد و قانون منع ورود (کالای) لوکس را در مملکت وضع نمود. (شیرازی، ۱۳۳۹ ق: ۲۱ - ۲۰)

ب) اصلاحات اداری

۱. ایجاد حس وظیفه‌شناسی

حاجی آقا شیرازی بر این عقیده است که قبل از هرگونه ترتیب اصلاحات اداری باید «حس وظیفه‌شناسی» ایجاد گردد و شرط موفقیت در اصلاحات را وجود و تقویت حس وظیفه‌شناسی می‌داند. افزون بر این، ایشان نقطه حقیقی و علت‌العلل مفاسد و بدبختی‌ها در دوران مشروطه را فقدان وظیفه‌شناسی و وظایفی که در پذیرفتن مسئولیت‌ها به عهده دارند، می‌داند و درباره اهمیت اصلاحات اداری و وضع نامطلوب آن در جامعه می‌گوید:

اصلاحات اداری بزرگترین امری است که توجه نمایندگان محترم را بایستی به خود معطوف دارد و بایستی به کلی اساس اداری امروز را خراب نمود و مجدداً ساخت؛ زیرا که اگر غیر از این ترتیب قدمی رو به اصلاح بردارند، ظاهرسازی و ماست‌مالی شده و مثل یک بنیان پوسیده است که بخواهند با استعمال الوان زیبا و نقش و نگارهای فریبنده آن را حفظ نمایند... رژیم و وضعیات اداری امروزه، فاسدترین ترتیب اداری است که می‌تواند در دنیا تصور نمود. (همان: ۲۵ - ۲۴)

وی راه برون‌رفت از این وضعیت را مجازات، پاداش و پرسش می‌داند:

در یک مملکتی ممکن نیست در هیچ زمامداری و هیچ مدیری حس وظیفه ایجاد شود، مگر آنکه مسئولیت در آن مملکت بتمام معنی عرض اندام کند؛ یعنی باید مجازات و مکافات و پرسش در کار باشد والا مسئولیت را توقع کردن لغو و غلط است. (همان)

۲. وجود وزارتخانه‌های متعدد

وجود وزارتخانه‌های متعدد بدون فایده برای جامعه و کشور و جدا کردن قسمتی از یک وزارتخانه و تبدیل به وزارتخانه جدید به منظور ایجاد پست و مقام برای افراد بیکار صاحب نفوذ، یکی از مشکلات بسیار بزرگ جامعه دوران مشروطیت از دیدگاه حاجی آقا شیرازی بود که بودجه‌های سنگینی برای کشور تحمیل می‌کرد. وی در این باره می‌نویسد:

وزارت مشاوره یعنی چه (؟) وزارت صحیه (تلگراف و پست) فواید این وزارتخانه‌ها برای چیست؟ آیا برای مسئولیت اشخاص است و یا فی‌الحقیقه محتاج بوجود آنها هستند؟ در اول مشروطیت قسمتی از وزارتخانه‌های ما جزو یک وزارتخانه دیگری بود، بعد آنرا مجزا کردند. در صورتی که بنده هیچ منطقی برای تجزیه آن نتوانستم بفهمم، جز اینکه بعضی را بدخول در کابینه راضی کنند. برای اینکه هیچ فرقی در عملیات آن اداره بعد از تجزیه پیش نیامده (است). (همان: ۲۸)

حاجی آقا بر این وضعیت سخت معترض است و فضا را زمانی مناسب می‌داند که کارمندان ادارات دولتی بر اساس نیاز و شایستگی افراد در یک رقابت امتحان داده و تعیین شوند و هرکسی هم از عهده کار برنیامد در اموراتی مانند، زراعت، تجارت، احداث معدن که از کارهای اساسی است، فعالیت نماید. وی نحوه پذیرش و استخدام موجود را نامناسب می‌داند:

اگر دوائر دولتی تا بحد لزوم اعضا گرفته و اجزای آن را از روی مسابقه فضلی معین می‌نمودند، اشخاص وقتی که ملاحظه می‌نمودند در اداره محل خالی نیست و یا از عهده امتحان بر نمی‌آیند، البته کار دیگری (و) برای خود فکری می‌کردند، فکر زراعت می‌کردند،

فکر تجارت می کردند، عقب احداث معدن می رفتند. نه اینکه تمام هم خود را صرف این نکته بکنند که در ادارات دولتی مستخدم بشوند ما باید به تمام وساطت پیشه‌ها بگوییم وساطت نکنید، باید این اصول از قانون اداری و این نسخ ترتیبات اداری را منحل نمود. (همان: ۲۹ - ۲۸)

۳. لزوم نظارت و کنترل در عایدات و مخارج مالیه دولت

نظارت در جامعه آن قدر از جایگاه بلندی برخوردار است که به عنوان یکی از وظایف اصلی قوه مقننه مورد توجه همگان قرار گرفته است. حاجی آقا برای نشان دادن اهمیت و جایگاه نظارت و کنترل، به خصوص در عایدات و مخارج مالیه دولت ایران مثالی می زند که وضع موجود آن زمان را آشکار می سازد:

مالیه این مملکت درست مثل یک اصطخری شده که جداول متعدد از اطراف رو به اصطخر جاری است و هرچه در این اصطخر آب می آید بواسطه شبکه‌ها و زیرآب‌هایی که دارد فرو می رود و ابدأ این اصطخر مرطوب هم نمی ماند. باز ما جداول تازه ایجاد کرده، قنات‌های جدید از اطراف تهیه می کنیم، به محض آنکه آب آنها به این اصطخر رسید، فوراً بواسطه همان زیرآب‌های بسیار بزرگ تمام فرو رفته و چیزی باقی نمی ماند. پس باید اول زیرآب‌ها را گرفت، یعنی نظارت در عایدات و مخارج کرد، بعد تهیه عایدی نمود. (صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای مجلس شورای ملی، دوره ۴، جلسه ۲۱)

ایشان از وضعیت مالیات‌های وصول شده، ناخشنود است و فقدان نظارت و کنترل حقیقی در مالیه ایران را از علل اصلی وضعیت پیش آمده می داند:

از اول دوره مشروطیت تا بحال آیا دیده‌اید یک نظارت و کنترل حقیقی در مالیه ایران دایر بشود؟ اداره‌های تفتیش پر طول و عرض هم در دوائر مالیه تشکیل شده است، مفتش‌های بسیار متصل در گردش است، با این حال آیا هیچ دیده و شنیده‌اید که بگوئید فلان دزدی را گرفته و مجازات کردند؟ پس به عقیده بنده باید یک نظارت جدی بر عایدات مملکت نمود و سعی کرد قانون نوشت، اشخاص معین کرد، تا اینکه نظارت به معنی حقیقی خودش اجرا شود و باید دیوان محاسبات ایجاد کرد. (همان)

۴. رسیدگی به اعمال اعضای مالیه ولایات

حاجی آقا برای رسیدگی به ثروت مسئولین مالیات‌ها در ولایات ایران پیشنهاد می کند که بهترین آزمایش آنها بررسی وضعیت ثروت آنها قبل و بعد از استخدام است و «اصل از کجا آورده‌ای؟» را در اینجا مناسب می داند:

مهم‌ترین بینه که می توان در موقع محاکمه به آنها گفت، وضعیت قبل از استخدام و بعد از استخدام مدت قبلی‌شان است. باید وضعیت و ثروت بعد از همین مدت قلیل استخدام آنها

را مقایسه کنند و بگویند اینها از کجا آمده؟ اگر این مسئله معین شد، تمام ترتیبات واضح می‌شود. من گفتم وقتی دود را دیدم می‌گویم آتش است و او را متهم می‌کنم تا به محاکمه تبرئه شوند و خدمات خود را نشان دادند باید آنها را تشویق والا مجازاتشان نمود. (شیرازی، ۱۳۳۹ ق: ۳۰)

ایشان، مجازات را در این امور بسیار کارساز دانسته که در نتیجه انجام آن، حفظ ثروت ملی را در پی خواهد داشت:

وقتی که ثابت شد دست خیانت بسوی بیت‌المال دراز کرده‌اند، باید آنها را با شدت درجه مجازات نمود. این مجازات باعث یک ترس و ربعی می‌شود که بواسطه آن، دیگری نمی‌تواند دست خیانت به بیت‌المال دراز کند. کم کم برای همین طرز یک ملکاتی در مستخدمین تولید می‌شود که آنها را به امانت سوق می‌دهد. (همان: ۳۱).

۵. مقاومت در مقابل استقراض

یکی از راه‌های تهدید ایران از ناحیه کشورهای وام دهنده از دیدگاه حاجی آقا استقراض است. وی به نمایندگان توصیه می‌نماید که باید بدون اجازه مجلس، هیچ‌کس حق قرض کردن نداشته باشد و تا دولت بودجه را برای تصویب به مجلس نیاورده، نباید استقراض را تصویب کرد:

از جمله چیزهایی که جزو اصلاحات لازمه و وظائف حقیه است، مقاومت در مقابل هر استقراض و مالیاتی است قبل از تعدیل جمع و خرج (ما همیشه در مقابل استقراض ها و در مقابل پیشنهاد به احتیاج تهدید می‌شویم) اگر ما این دو اصل را مسلم کردیم که باید استقراض را تصویب نکنیم و هرکس بدون اجازه مجلس شورای ملی قرض کرد، خودش مسئول ادای آن قرض باشند. (صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، جلسه ۲۲)

۶. اصل احتیاج (فقدان حس احتیاج)

حاجی آقا شیرازی «احتیاج» را مادر و مولد اختراعات می‌داند که به‌طور طبیعی تا انسان محتاج نباشد، وسایل رفع احتیاج را فراهم نمی‌کند. وی بر این عقیده است که مجلس باید زمینه احتیاج دولت را به مجلس فراهم کند تا جایگاه مجلس اهمیت پیدا نماید که بهترین روش در این باره شرط گذاشتن تصویب پیشنهادی مالیات و استقراض در آوردن برنامه بودجه از سوی دولت است. وی در این باره می‌گوید:

یکی از مسائلی را که بزرگترین طریق اصلاح می‌دانم و می‌تواند هیئت دولت و زمامداران را به اصلاح الزام کند، حس احتیاج است. نمایندگان ملت باید تعقیب این رویه را بکنند که هیچ مالیات و پیشنهاد مالیاتی را که از طرف دولت پیشنهاد می‌شود تصویب نکنند و هیچ

استقراضی را تصدیق نکنند تا اینکه بودجه را به مجلس بیاورند... احتیاج او (دولت) را و می‌دارد یا اینکه بودجه‌اش را تعدیل کند... اگر چنانچه این اصل محفوظ بود و می‌دانستند که در مورد رفع احتیاج مجبورند در جمع و خرج مملکت مراجعه به نمایندگان ملت کنند، این تخطی موجود نمی‌شد که بدون مراجعه به مجلس شورای ملی و نمایندگان ملت، مالیات وضع کنند و تحمیل بفقیر بدبخت بکنند. (همان)

افزون بر این، حاجی آقا فقدان حس احتیاج هیئت دولت و زمامداران به مجلس را یکی از علت‌هایی می‌داند که سبب شده دوران فترت طولانی گردد و نیاز به مجلس پیدا نکنند و در نتیجه فشار سنگینی از یک سو به دوش توده مالیات دهنده بیچاره وارد شود و از سوی دیگر، شاهزادگان درجه اول و دوم از طبقات مختلف در دوره فترت، حقوق‌های کمرشکن و موجب‌های اضافه بر مملکت تحمیل نمایند. وی در این باره می‌گوید:

چون این احتیاج را حس نکردند، افتتاح مجلس شورای ملی به تأخیر افتاد و دوره فترت امتداد یافت. بدون هیچ پروا حقوق گزاف و تحمیلات فوق‌العاده بر دوش توده مالیات‌بده ایران وارد کردند. باید گفت از درجه اعلی و دربار شاه تا ادنی پارازیت‌های اجتماعی، از شاهزادگان درجه اول و دوم از طبقات مختلفه و مستخدمین ادارات در دوره فترت تا چه اندازه بر مالیه مملکت تحمیل بوده‌اند... من می‌گویم تمام آنها را باید لغو کرد و هر کس که در این مدت از آنچه تصویب مجلس بوده، زیادتر برده از او (باید) پس گرفت. (همان)

۷. اصلاحات عدلیه

یکی از قوای با اهمیت دوران مشروطیت، قوه قضائیه یعنی عدلیه است. عدلیه از نظر حاجی آقا تنها اداره‌ای است که دارای قانون است. اما معتقد است در هر مملکتی که نظارت در کار نباشد، به واسطه نبود مجازات و نظارت از قانون سوءاستفاده می‌شود و این موضوع در عدلیه اتفاق افتاده و سبب پیامدهای نامطلوب در جامعه شده است. این پیامدها شامل موارد زیر می‌شود:

۱. مردم به واسطه تعطیلی که در احقاق حقوق خود از جریان عدلیه می‌بینید، هیچ به عدلیه مراجعه نمی‌کنند و به کلی از حقوق خود صرف‌نظر می‌نمایند؛

۲. این مسئله سبب شده است که در تجارت و معاملات، اعتماد و اطمینانی که در جامعه موجود بود از بین برود و در واقع جامعه به تمام افراد خود سوءظن پیدا کرده است؛

۳. از آنجاکه یک مرکز احقاق حقی برای خود تصور نمی‌نماید، از این جهت از حقوق گذشته خود صرف‌نظر می‌کند و در آتیه خود را حفظ می‌کند که معامله با کسی نداشته باشد تا اسباب ابتلاء او بشود.

(شیرازی، ۱۳۳۹ ق: ۳۶ - ۳۵)

حاجی آقا با طرح این سؤال مبنی بر اینکه، عدلیه با داشتن مستشار و شخصیت‌های علاقمند که برای

انجام کار مطلوب سعی و تلاش کردند، چرا این‌گونه شده است؟ پاسخ و دلایل این سؤال را خود این‌چنین می‌دهد:

اول برای نبودن مجازات؛ دوم تحسین نکردن اعضا از روی لیاقت؛ زیرا تعیین اعضا فقط از روی وساطت و غیره است. (همان: ۳۵)

وی در مبحث بسیار مهم عدلیه در ایران، افزون بر تأکید به موضوعاتی همچون تعیین و پذیرش اعضا عدلیه با امتحان و از روی لیاقت و شایستگی، توجه به مقام عالی قاضی و منفصل کردن قاضی نالایق به لحاظ دریافت رشوه، و برطرف کردن نواقص قانون عدلیه، به «تعیین مدعی‌العموم» به عنوان یکی از مسائل فوق‌العاده در عدلیه با در نظر گرفتن دو اصل بزرگ شرع یعنی امر به معروف و نهی از منکر اشاره می‌نماید و در این باره می‌گوید:

یکی از چیزهایی که در عدلیه فوق‌العاده لازم است، تعیین مدعی‌العموم است. بطوری که در قانون پیش‌بینی شده وقتی یک مملکتی که اصول آن از روی شرع است و دو اصل بزرگ آن امر به معروف و نهی از منکر بوده یعنی دو اصلی که اساس آسایش و ترقی عالم بر روی او است وقتی که تمام امور اجتماعی محول به یک مدعی‌العموم است، مدعی‌العموم باید این اساس را تکفل کند که هرج و مرج تولید نشود. (صورت مشروح مذاکرات شورای ملی، دوره ۴، جلسه ۲۲)

ایشان با توجه به جایگاه مدعی‌العموم و پیش‌بینی‌های قانون، ویژگی‌های شخصی مدعی‌العموم را این‌گونه برشمرد:

یک نفر که دارای معلومات علمی و معلومات دینانتی و دارای ملکات فاضله باشد، چنین شخصی می‌تواند مدعی‌العموم باشد، جلوگیری از منهیات بکند، نه اینکه خودش آلوده باشد. باید آن وقت هم تحقیق و نظارت کرد که مدعی‌العموم به وظایف خود عمل (کند) و خائف نباشد. باید او را مطمئن کرد که هر کسی را در هر چه و مقام که باشد، وقتی از او سوءاخلاقی سرزد، او را تعقیب کرده و مجازات نماید. (همان)

۸. وزارت جنگ

دیدگاه حاجی آقا شیرازی نسبت به وزارت جنگ را می‌توان تحت عنوان سه بحث مطرح کرد. ابتدا جایگاه و اهمیت آن، سپس وضع موجود وزارت جنگ و در آخر راه‌های حفظ جایگاه و برون‌رفت از وضعیت فعلی آن. وی در مورد جایگاه وزارت جنگ می‌نویسد:

وزارت جنگ یعنی همان وزارت‌خانه‌ای که حافظ حدود و ثغور مملکت است. محترم‌ترین عناصر یک جامعه همان افرادی هستند که جامعه را حفظ می‌کنند و احترام آن افراد فوق‌العاده بر تمام اعضا جامعه لازم است. (شیرازی، ۱۳۳۹ ق: ۳۸ - ۳۷)

ایشان وضع موجود وزارت جنگ را با توجه به انتظاراتی که جامعه از نظامیان دارد، با تأسف بسیار این چنین تشریح می‌نماید:

نظامی باید حافظ ناموس بوده و اقلأ خودش را از اخلاق نکوهیده و صفات ناپسندیده و از تعرض بنوامیس و اقدام به بعضی ترتیبات و عملیات خارج از حدود شرافت مصون داشته و کناره‌گیری نماید تا یک منظره فجیعی در بازار شهر طهران راجع به فلان صاحب منصب تشکیل نشود. بروید ببینید در بازارچه مناظر فجیعی از صاحب منصبان ژاندارم و نظامیان خودساخته تشکیل یافته و چگونه اصول شرافت و ناموس مهتوک است و همچنین در سایر ولایات که می‌روند و چه فریادهایی بدین طریق تولید می‌نمایند. آیا همه ماها اینها را نشنیده‌ایم؟ آیا نمایندگان که از ولایات به مرکز آمده‌اند، این ترتیبات را ندیده‌اند؟ (همان: ۴۰ - ۳۹)

حاجی آقا یکی از عوامل آسیب‌پذیری و متزلزل شدن حیثیت نظام در وزارت جنگ را سابقه شغل در صاحب‌منصبانی می‌داند که از روی تحزب و دسته‌بندی ورود پیدا کرده‌اند. (صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۴، جلسه ۲۲)

ج) اصلاحات فرهنگی (معارف)

۱. اصلاح معنای معارف

از منظر حاجی آقا، معنای معارف باید اصلاح گردد؛ زیرا معنای معارف مختصر شده به یک معلومات اولیه و تمرکز یافته به تحصیل در زبان اجنبی. ایشان تحصیل زبان خارجی را به منظور دستیابی به امور پیشرفته مقدمه می‌داند نه نتیجه:

چیزی که مایه تأسف است، اشتباه بزرگی است که در معنی معارف پیدا شده. امروزه در این مملکت، معارف فقط اطلاق می‌شود به یک قسمت معلومات ابتدایی و تحصیل زبان اجنبی در تمام دنیای زنده. تحصیل زبان اجنبی فقط از نقطه نظر کمک و معاونت به تجارت و اقتصاد استفاده از معلومات دیگران است، برعکس در مملکت ما تحصیل زبان نتیجه و نهایت تحصیلات است. یک جوان ایرانی همین قدر که کم و بیش زبانی تحصیل کرد، خود را مستغنی از هر معلوماتی از معلومات دانسته و خود را سزاوار هر مقام می‌داند و منتظر است که افراد ملت او را گل سرسبد خود دانسته، بی هیچ سؤال و جواب نتیجه دسترنج و سعی و عمل خود را نثار خاک پای او کند. تقصیر هم ندارد، زیرا اولیای امر نخواستند با افراد تحصیل کنندگان بفهمانند که تحصیل زبان مقدمه است، نه نتیجه. (شیرازی، ۱۳۳۹ ق: ۴۳)

۲. تأسیس مدارس صنعتی، تجارتی و فلاحتی مجانی در شهرها و قصبات

در طرح اصلاحات حاجی آقا تغییر وضع اقتصادی از طریق تأسیس مدارس در راستای توسعه صنایع، تجارت

و کشاورزی نادیده گرفته نشده و ایشان بر تحقق این موارد در شهرها و قصبات ایران به صورت رایگان تأکید می‌ورزد:

باید راه سعادت را به تعلیم صنایع به روی افراد باز کرد تا فرزندان ایران در پی شغلی آزاد روند و راه معاش دیگری بیابند و همه در فکر دخول در خدمت دولت و تحمیل به بودجه ممکت نباشند. (همان: ۴۴ - ۴۳)

۳. تربیت بانوان

حاجی آقا نسبت به زنان به عنوان یکی از ستون‌های اصلی خانواده توجه می‌نماید و بر فضای حاکم متداول آن روز، نسبت به زنان به‌خصوص آموختن زبان اجنبی برای زن ایرانی به شدت معترض است، زیرا بی‌فایده و سبب مفاسد روزافزون جامعه و سوق دادن آن به سمت بی‌شرافتی و عدم شهامت و عفت می‌گردد. وی در این باره می‌نویسد:

آنچه را که برای سعادت عائله لازم است، باید به نسوان آموخت. باید آنها را بحاسن عصمت و عفت و امانت و دیانت و اقتصاد و صرفه‌جویی و اجتناب از زوائد زندگانی راهنمایی کرد و صنایع یدی به آنها آموخت و معلومات ابتدائی و حفظ‌الصحه و بالاخره آنچه برای خوشبختی خانواده لازم است به آنها تعلیم کرد. نه چیزهایی که امروز بدبختانه متداول است از تعلیم زبان‌های اجنبی و لهویات که آنها را از سعی و عمل باز دارد و یکباره بار بزرگ خانواده‌ها قرار دهد. آموختن زبان اجنبی برای زن ایرانی، آن هم ایرانی امروز چه ضرورت و چه فایده دارد؟ آیا نتیجه این سنخ تعلیمات امروزه نسوان جز همین مفاسد روزافزون امروزه که بدبختانه جامعه را به بی‌شرافتی و عدم شهامت و عفت سوق داده چیزی هست؟ (همان: ۴۴)

وی در ادامه، تربیت زنان را بسیار مهم دانسته و سیستم موجود را نامطلوب می‌داند و علت اصلی آن را نالایقی مسئولین معارف می‌شناسد.

همان اندازه که علاقمند به تربیت نسوانم، برضد سیستم تعلیمات امروزه آنانم و درعین حال آنها را مظلوم بی‌اعتنائی و بی‌علاقه‌گی یا نالایقی و نادانی اولیای معارف می‌دانم. (همان: ۴۵ - ۴۴)

۴. مدارس خارجی

خودسری‌های مدارس خارجی که با ایجاد کانون‌های فساد در برابر ارزش‌های دینی به تبلیغات می‌پردازند، سبب شده است که حاجی آقا شیرازی نسبت به عملکرد آنها شدیداً معترض شود و از وزارت معارف می‌خواهد که از خودسری آنها جلوگیری نمایند:

یکی از مطالب مهم، توجه بمدارس خارجی است که در این شهر دائر است و مفاصدی که بر طرز تعلیمات آنها مترتب است. من عجالاً نمی‌خواهم در این مبحث بسط کلام دهم، چون همه بخودسری آنها عالمید. همین‌قدر عرض می‌کنم که باید وزارت معارف جداً از خودسری آنها جلوگیری نماید و نگذارد این‌قدر مفاصد اخلاقی که روح ملیت و قومیت و دیانت متعلمین را تیره ساخته از این کانون‌های مفسده که مبانی آنها یا دینی یا سیاسی است در این مملکت منتشر شود. باید آنها را مجبور ساخت که مطابق پروگرام وزارت معارف، پروگرام خود را قرار دهند. (همان: ۴۵)

حاجی آقا حتی مدارس شبانه‌روزی در تهران را نامناسب می‌داند و در وصیت‌نامه خویش از آقای مؤتمن‌الملک به عنوان وصی خود می‌خواهد که فرزندان وی را به این مدارس نفرستد:

اطفال مرا در طهران بهر طریق که مصلحت بدانند در تحت نظر و توجه خودشان بگیرند و هر مدرسه که صلاح دانند بفرستند، اما به مدرسه شبانه‌روزی بی‌میلیم؛ زیرا معتقدم که اطفاالم بآداب و اخلاق دیانت آشنا شوند و در مدارس شبانه‌روزی فعلی این امر مفقود است. (شیرازی، ۱۳۴۶ ق: ۳)

د) اصلاحات در بعد سیاست خارجی

حاجی آقا شیرازی در حوزه سیاست خارجی، درباره هماهنگ کردن ایران با جامعه جهانی، تأکید بر محترم شمردن حقوق، استقلال و آزادی ایران و دیگر کشورها، مقاومت در برابر متجاوزین به کشور و موضوعات دیگر سخن گفته است. اما خطوط کلی در سیاست خارجی در دیدگاه‌های حاجی آقا شیرازی شامل موارد زیر می‌شود:

۱. اعلام آمادگی ایران برای مشارکت در زندگی عمومی جهان؛
۲. تلاش و سعی ایران به منظور متناسب ساختن خود با سایر اجزاء جامعه جهانی؛
۳. دوست بودن با تمام اعضای جامعه عالم بر اساس محترم شمردن حقوق متقابل، استقلال و آزادی ایران و کلیه اعضای جامعه جهانی؛
۴. عدم قصد سوء نسبت به هیچ‌یک از ملل و استقبال از همکاری با هر دولتی با مقاصد مشروع؛
۵. مقاومت خارج از تصور از هر دولت حمله‌کننده به حقوق ما؛
۶. تعقیب نمودن سیاست و خط مشی روشن، صریح و بی‌پرده و ثابت و اعلام آن با عزم و اراده قطعی به همسایگان؛
۷. فهماندن صریح به دربار مسکو و لندن و سایر دربارها مبنی بر عدم پذیرش هرگونه تقاضا و خواهش احتمالی مخاطره‌انگیز برای استقلال و آزادی کشور؛
۸. سوءظن داشتن در حد افراط نسبت به دول استعمارگر؛

۹. مطلوب نبودن مذاکرات مبهم بین دول قوی با یک ملت ضعیف و پرهیز از اتخاذ رویه تاریک و مبهم در سیاست خارجی و اظهار و اعلام سیاست‌ها به دولت‌های قوی با صراحت و صدای رسا؛
۱. تغییرناپذیر بودن این سیاست‌ها و تصمیم‌ها، برای رهایی از کشمکش‌های دائمی و سوءتفاهم‌های متوالی. (شیرازی، ۱۳۳۹ ق: ۴۷ - ۴۵)

نتیجه

در این مقاله اندیشه اصلاحی حاجی آقا شیرازی در حوزه سیاست داخلی و سیاست خارجی از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفت که نتایج حاصله آن به شرح زیر می‌باشد:

۱. در اندیشه حاجی آقا شیرازی، در عصر وی انحراف از اصول مشروطیت که در قانون اساسی آن تجلی یافته، صورت گرفته بود. بدین معنا که از یک‌سو به اصل دوم متمم قانون مبنی بر تطبیق قوانین موضوعه با قواعد اسلامی توسط پنج نفر از علمای طراز اول، جنبه عینی و مستمر نیافت که در واقع محتوای نظام مشروطه را به نوعی پوشش می‌داد و از سوی دیگر، به شاخص‌های مشروطیت که در مابقی اصول قانون اساسی هویدا بود، عمل نگردید.

۲. حاجی آقا شیرازی به انحراف کشاندن مشروطیت به این وضع را از ناحیه تجددگرایانی^۱ می‌دانست که تحت پوشش مفاهیم جذابی مانند آزادی، بمنزله دشمنان آزادی و عقیده عمل می‌کردند و همان افرادی که شعار علیه استبداد می‌دانند، مملکت را تحت حکومت الیگارش‌ی درآوردند. وی در این راستا، راهبرد اصلی را به منظور تحقق اصلاحات به «مجلس» می‌دهد. زیرا از نظر حاجی آقا مجلس به عنوان مهم‌ترین دستاورد مشروطیت می‌تواند نقش مرکز ثقل کشور را ایفا نماید. حاجی آقا بر این باور و تلقی است که در گام اول به لحاظ ذهنی نمایندگان که نخبگان جامعه محسوب می‌شوند را با اصلاحات خود هم‌آواز نماید و اصلاحات را در قالب «تدوین قانون» پیش ببرد و در گام بعد، به لحاظ عینیت بخشیدن به اصلاحات در قالب وظیفه دیگر مجلس یعنی بعد «نظارت»، آن را عملیاتی و اجرایی سازد؛

۳. هرچند تغییر وضع موجود جامعه آن روز به وسیله اندیشه اصلاحی حاجی آقا شیرازی با منافع برخی از زمامداران و صاحبان نفوذ در دستگاه‌های مختلف دولتی و نشریات، سازگاری نداشت و درواقع افکار اصلاحی او در حد سخنرانی از تریبون رسمی مجلس باقی ماند، اما برخی از دیدگاه‌های حاجی آقا و واژه‌های کاربردی ایشان با استفاده از قلم و بیان به‌گونه‌ای عمیق و از استحکام برخوردار است که بیانگر دو نکته مهم است: یکی دوران‌اندیشی و نگاه بلند حاجی آقا همچون اصلاحات اجتماعی و اداری و اصلاح مطبوعات و... دیگر آن

۱. آیت‌الله عبداللّه مازندرانی یکی از مراجع حامی مشروطیت در نجف نیز با مشاهده سرانجام نهضت مشروطه، از خصلت «استبداد مرکبه» آن نهضت انتقاد کرد و استبداد داخلی را همچنان پابرجا دانست.

که وضعیت جامعه آن روز را به گونه‌ای ترسیم می‌نماید که امروزه با وجود نزدیک به یک قرن از گذشت آن، در برخی امور تغییری حاصل نشده و طرح این مسائل می‌تواند در شناخت دردها و یافتن راه‌حل درمان آنها بسیار مؤثر باشد. البته خیلی از مسائلی که حاجی آقا مطرح می‌کند و جزء آرزوهای وی می‌باشد مثل بیرون کردن اجانب و استقلال و خودکفایی در برخی از امور و خیلی از موضوعات دیگر پس از پیروزی انقلاب اسلامی حاصل شده است. افزون بر این، این سؤال می‌تواند همچنان مطرح گردد که آیا موضوعات و مسائل مهمی از قبیل فقدان حس وظیفه‌شناسی، (که مقام معظم رهبری تعبیر به وجدان کاری و نظم اجتماعی نمودند) رسیدگی به اعمال زمامداران با قانون مجازات، زواید زندگی کمرشکن، ورود بی‌رویه کالاهای لوکس و وسایل آرایشی و به‌ویژه وضعیت مطبوعات به عنوان یکی از ارکان اصلی جامعه در مقطع پس از انقلاب اسلامی، نابسامانی ادارات، همگی با وضعیت کنونی ما تطبیق ندارد؟

۴. موضوعات و مسائل مورد اشاره که از قلم و بیان حاجی آقا مجتهد شیرازی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، عمدتاً حکایت از ریشه‌های عمیق فرهنگی در جامعه دارد که مقام معظم رهبری، اهمیت «فرهنگ» را حتی از سیاست و اقتصاد بالاتر دانسته‌اند. نمونه‌های مذکور، اندکی از بسیار است که می‌تواند در راستای تأکید قرآن کریم مبنی بر «عبرت‌گیری» از تاریخ، برای مسئولان کشور در امر تعقل ورزیدن و تعمیق بخشیدن در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و برای نخبگان فرهنگی و پژوهشگران حقیقت‌خواه و حقیقت‌جو، اندیشیدن و تحقیق در این عرصه را، همچنان باقی گذارد.

منابع و مأخذ

۱. آبادیان، حسین، ۱۳۹۰، *جنگ جهانی اول تا کودتا (۱۲۹۳ - ۱۲۹۹)*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۲. افروغ، عماد، ۱۳۸۰، *چالش‌های کنونی ایران*، تهران، سوره مهر.
۳. بامداد، مهدی، ۱۳۷۱، *شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲، ۱۳، ۱۴ هجری*، تهران، زوار.
۴. بی‌نا، صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره دوم، جلسات ۱۲۲ و ۲۱۲.
۵. _____، دوره چهارم، جلسات ۲۰، ۲۱ و ۲۲.
۶. دانشیار، علیرضا، ۱۳۸۶، «بررسی دوره موسوم به اصلاحات در نظام سیاسی ایران»، *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی*، س سوم، ش ۱۱.
۷. *روزنامه مجلس*، سال چهارم انتشار (۱۳۲۹ ق)، ش ۵۰.
۸. شیرازی، حاجی آقا، ۱۳۲۹ ق، «*فشار عالم اسلام یا تجدید جنگ صلیب*»، تهران، روزنامه مجلس، سال چهارم، شماره ۵۰.

۹. _____، ۱۳۳۰ ق، *واقعات دوساله یا تاریخ بدبختی ایران*، تهران، مطبعة شمس.
۱۰. _____، ۱۳۳۹ ق، *صورت نطق*، تهران، اداره تندنویسی مجلس شورای ملی.
۱۱. _____، ۱۳۴۶ ق، *وصیت‌نامه*، شماره پرونده (۲ - ش) ۱۰۰۰۴۰۰۱، اداره اوقاف استان فارس.
۱۲. عمید، حسن، ۱۳۶۲، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، امیرکبیر.
۱۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹، *آینده انقلاب اسلامی ایران*، تهران، صدرا.

